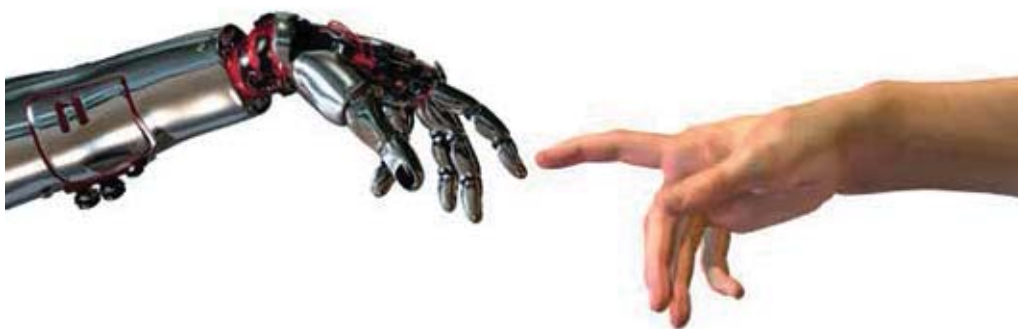


وقتی از دانش بنیان حرف می‌زنیم از چه چیز حرف می‌زنیم

■ سیدرضا علوی، روزنامه‌نگار



کردیم و کتاب‌های بیشتری خواندیم، معلوم شد انتلکتوئل را بد و کج و مغلوط فهمیده‌ایم و روشنفکر آنچنان که باید و شاید افاده معنی نمی‌کند.

مثال دیگر بزنم. غربی‌ها یک‌باره ترقی خارق‌العاده‌ای کردند. از دور به نظر می‌رسید که آن‌ها در همه چیز به موفقیت رسیده‌اند. پس از انقلاب صنعتی تولید ثروت فراوان کردند، کشور خود را ساختند، برای هر کاری ماشین و ابزار مورد نیاز را تولید کردند و هر مانعی را که سر راه دیدند، برداشتند. روی دریاها پل زدند، در دل صحراها جاده کشیدند، از آن سر دنیا به آن سر دنیا رفتند و همه را مطیع و منقاد خود کردند. آن‌ها برای هر کاری به نظر می‌رسید که پول و امکانات لازم را دارند. در روزهایی که ما از مایه‌کوبی سراسری عاجز بودیم و در مهار سیاه‌زخم خود را ناتوان می‌دیدیم، آن‌ها یک مریضی‌های سخت را مهار کردند و بشریت را از طاعون و حصبه و دیفتری و کزاز نجات دادند. جاده‌کشی سخت و پرهزینه بود، معدود جاده‌های موجود هم ناهموار و ناامن بود. یک مسافرت ساده می‌توانست با مرگ و مریضی توأم باشد، اما همان موقع در اروپا و آمریکا کشتی‌های اقیانوس‌پیما می‌ساختند، هواپیماهای سریع‌السير تولید می‌کردند، بین شهرها خط آهن می‌کشیدند و از دل زمین نفت و گاز و آهن و مس و اورانیوم استخراج می‌کردند. ما گاهی با حسرت و گاهی با خشم، گاهی با حسادت و گاهی هم - بلکه اغلب - از سر تقلید به غربی‌ها نگاه می‌کردیم و زور

عبارت دانش‌بنیان قدری سخت و صعب می‌نمایند. به گوشمان آشنا نیست. گویی تا به حال چیزی از آن نشنیده‌ایم. پدرانمان هم سفارشی درباره‌اش به ما نکرده‌اند. استادان و عارفان و شاعران و عالمان و آموزگاران گذشته نیز چیزی از آن نگفته‌اند. حالا اما هر جا می‌رویم و وارد هر حوزه‌ای می‌شویم، صحبت از دانش‌بنیان است. یکی از اقتصاد دانش‌بنیان می‌گوید، یکی هم از مدیریت دانش‌بنیان، دیگری هم از توسعه دانش‌بنیان... سر چرخانده‌ایم و به خود آمده‌ایم و دیده‌ایم دنیا را دانش‌بنیان پر کرده است. منظورشان را البته از روی همین دو کلمه دانش و بنیان کم و بیش ملتفت می‌شویم. بیشتر حدس می‌زنیم تا این‌که ملتفت شویم. یا لااقل وانمود می‌کنیم که ملتفت شده‌ایم. اوایل مشروطه نویسندگان و فرهنگی‌ها مقابل کلمه «انتلکتوئل» گذاشتند «روشنفکر». آن موقع هم خیلی‌ها معنی دقیق این کلمه را نمی‌دانستند. برای همین سعی می‌کردند از ظاهر کلام نقبی بزنند به معنی. معنی روشن را که می‌دانستند، معنی فکر را هم تصور می‌کردند که می‌دانند. پس ترکیب این دو کلمه نباید کار سختی باشد. اما سخت بود و باعث سوءتفاهم‌های بسیاری شد که بعد از صد سال هنوز هم ادامه دارد. روشنفکر کسی نیست که فکر روشن دارد. اما ما آن را این‌طور معنی کردیم و متضادش تاریک‌فکر را ساختیم. سال‌های سال به متحجرین و خشک‌اندیشان تاریک‌فکر گفتیم. رفته‌رفته که اطلاعاتمان زیاد شد، با جهان ارتباط بیشتری برقرار

می‌زدیم تا رمز و راز این همه ترقی را دریابیم. آن‌ها به این همه پیشرفت می‌گفتند «دولوپمنت». مترجمین ما هم این کلمه را ترجمه کردند به «توسعه» و از پس آن‌ها، کارشناس‌ها و مدیران و وطن‌دوستان سعی کردند الگوها و مدل‌های توسعه را دریابند و شرح دهند. دولوپمنت معنی اصلی‌اش ظهور است. در فرایند چاپ عکس به مرحله ظهور می‌گویند دولوپمنت. اما ظهور نمی‌توانست همه آن مفاهیم آمیخته با ترقی را منتقل کند. توسعه هم نمی‌توانست، اما به هر حال ما باید کلمات درست را جایگزین کنیم. اتفاقی که افتاد، این بود که خیلی‌ها فکر کردند در وقت در کلمه توسعه می‌توانند رمز و راز پیشرفت را دریابند. توسعه هم‌خانواده است با وسعت و وسیع. وسعت و وسیع معنی گشادگی و گستردگی می‌دهند. یعنی وقتی می‌گوییم فضایی موسع، منظورمان محوطه‌ای باز و پهن است. در ادبیات دینی هم وسع به معنی باز شدن و گسترده شدن است. در همه ترجمه‌های قرآن، آن‌جا که باری تعالی می‌فرماید «وسع کرسیه السماوات و الارض»، هیچ مترجمی جای وسع، ظهور نگذاشته بلکه غالباً همین معنای لغوی را دنبال کرده‌اند که عرش الهی گسترده است بر سر آسمان‌ها و زمین. دولوپمنت یعنی این‌که ما از حالت فقر و ناتوانی و ضعف بیرون بیاییم و ثروتمند و قوی و توانا بشویم. البته نه به این سادگی. غایت توسعه همین است اما در روش و منش پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و دستیابی به آن هم ساده نیست. ما و خیلی از کشورهایی که «در حال توسعه» نامیده می‌شوند، سال‌های سال است که تمنای توسعه داریم. برای این کار برنامه نوشته‌ایم، مستشار آورده‌ایم، زیربنا ساخته‌ایم و هزینه‌های هنگفت کرده‌ایم اما چنین نیست که به آن دست یافته باشیم. همچنان مقابل خود ده‌ها و صدها مانع و رادع جدی می‌بینیم که باید بر آن‌ها فایق آییم. گفت آری شود، لیک به خون جگر شود. یکی از موانع جدی توسعه همین کج‌فهمی است که از معنی ظاهری لغت به ذهن متبادر می‌شود. خیلی‌ها توسعه را به معنی وسیع شدن گرفته‌اند و بودجه‌های پیشرفت و ترقی‌شان را صرف گسترش کار کرده‌اند. مثلاً توسعه رسانه را به این معنی گرفته‌اند که یک شبکه را ده شبکه کنند، یک روزنامه را ده روزنامه کنند و یک دانشگاه را ده دانشگاه، بلکه صد دانشگاه کنند. قطعاً توسعه کمی هم جزو شاخص‌های مهم توسعه است اما قطعاً منظور از توسعه وسیع شدن و گسترده شدن نیست؛ منظور پیشرفت و ترقی و دولوپمنت است.

دانش‌بنیان را معادل «ناولج بیسیک» گذاشته‌ایم. تحت‌اللفظی کم و کسر ندارد. معنی‌اش هم کمابیش درست است اما هم دانش و هم بنیان مصداق‌های متفاوتی در ذهنمان دارند. همین‌که می‌گوییم دانش‌بنیان، مخاطب فکر می‌کند داریم درباره‌های تک حرف می‌زنیم و تصور می‌کند که در این حوزه جز دانشمندان پژوهشگر را راه نمی‌دهند. فکر می‌کند این هم مثل بنیاد نخبگان جایی است برای انسان‌های خاص تحصیلکرده که تافته جدا

بافته از دیگر مردمانند. به جهت بار عاطفی و معنایی که دانش‌بنیان با خود حمل می‌کند، خیلی‌ها به آن نزدیک نمی‌شوند و از آن دوری می‌گزینند. تعبیر ترجمه‌نشده‌ای مثل استارت‌آپ و استارت‌آپ و یکند هم همین حالت را دارند. حتی شتاب‌دهنده هم که ترجمه شده، در پس حجابی است که باعث می‌شود قاطبه مردم با آن ارتباط برقرار نکنند و از آن سر درنیاورند.

ما می‌توانیم به کلمات اعتنا نکنیم و بگذاریم اهلش با مداومت کار و کلمه را جا بیندازند. حتماً ده سال دیگر دانش‌بنیان و استارت‌آپ به کلماتی عادی و متداول بدل می‌شوند. اما اگر در زبان رفع سوءتفاهم نکنیم و اشکالاتش را رفع و رجوع نکنیم، آن وقت دیوار دانش‌بنیان هم مثل توسعه تا ثریا کج و کوله بالا می‌رود. باید هرچه زودتر زبان‌دان‌ها را به میدان بیاوریم و وادارشان کنیم تا معادل‌های مناسب را جایگزین کنند.

دانش‌بنیان ربطی به آکادمی ندارد. اتفاقاً سردمداران اصلی اقتصاد دانش‌بنیان آکادمیسین نبوده‌اند. کار دانش‌بنیان هم در لابراتوار شکل نمی‌گیرد. البته متناسب با مناسبت‌های دنیای جدید است اما ربطی به دانشمندی ندارد. بیشتر یک فرایند اقتصادی است که کالایی تولید می‌شود و احکام عرضه و تقاضا بر آن حاکم است. به یک اعتبار، اقتصاد دانش‌بنیان یعنی ایجاد تقاضای واقعی و تولید کالایی که از دل دانش سر بیرون می‌آورد. کدام متاع است که به دانش مربوط نباشد؟ حتی اولین بار هم که آدمیزاد چرخ را اختراع کرد، با بهره‌گیری از دانش روزش این کار را کرد. امروز آن دانش ابتدایی پیشرفت کرده و پیچیده شده، پس باید چرخ هم پیشرفت کند و ساده‌تر بچرخد.

دانش‌بنیان در انحصار گروه و طبقه خاصی نیست. باید احاد جامعه را درگیر آن کرد. لاقلاً دانایان را باید متوجه آن کرد. یکی‌اش همین است که مثلاً اهالی فرهنگستان را وادار کنیم در این باره مطالعه کنند و الفاظ مناسب این کار را وضع کنند. این کار تخصصی است و از عهده آشنایان به کلام فارسی برمی‌آید. خود همین هم شکلی از فعالیت دانش‌بنیان است زیرا با دانش ادبی و اقتصادی و علمی سر و کار دارد. البته معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری پیش‌قدم شده و از اهالی فرهنگستان طلب یاری کرده. خیلی هم خوب. نامه‌هایی رد و بدل شده و پای متخصصین زبان به این کار باز شده، اما وضع لفظ یک کار انحصاری نیست. اتفاقاً فضا باز است تا هر کسی که حرفی برای گفتن دارد، پا به میدان بگذارد و اقامه برهان کند. از شما خوانندگان دانش‌بنیان هم استقبال می‌کنیم اگر آستین بالا بزنید و برای عبارات استارت‌آپ و استارت‌آپ و یکند و کارآفرینی‌های مدرن تعبیر فارسی و قابل فهم ارائه دهید. کامپیوتر در کارایی‌اش تغییری ایجاد نمی‌شود اگر رایانه بشود، اما در فعالیت‌های اقتصادی، فهم ما از زبان به شدت می‌تواند راهگشا یا راه‌بندان شود. در شماره‌های بعد، در این صفحه، گزارش‌های مربوط به زبان فارسی را پی خواهیم گرفت. ♦